

## مروری بر برخی ابعاد فاجعه ی انسانی ناشی از تحریم ها در عراق

### مقدمه

خطر جنگ نزدیک تر از همیشه است. تجربه ی تاریخی "جنگ های بشر دوستانه" ی دیگر در منطقه نشان می دهد که پروژه ای مشابه در مورد ایران هم اینک کلید خورده است و در امتداد تحریم های گسترده علیه مردم کشورمان، سایه ی مهیب جنگ نیز با سرعتی دلهره آور به ما نزدیک می شود. این در حالی است که بارقه های امید بخش خیزش مردمی سال 1388، افول کرده اند و با شدت یافتن سرکوب و اختناق حکومتی از یک سو، و فقدان بدیلی که بتواند از بن بست برساخته ی گفتمان غالب بر جنبش سبز گذر کرده و در سطح توده ها به سامان دهی مبارزات مردمی بپردازد از سوی دیگر، یاس و نومیدی را بر فضای اجتماعی - سیاسی ایران چیره شده است.

در چنین وضعیتی برخی گروه های سیاسی با استناد به آن که تغییر به دست مردم نه دشوار که غیرممکن است، در پوشش گفتمان حقوق بشر و با تحریف واقعیات تاریخی، به طور نظام مند به خلق و انتشار توهمات و افسانه های جمعی پرداخته اند و این گونه آغوش خود را به سمت "مداخلات بشر دوستانه" ی غرب - خواه تحریم اقتصادی، خواه جنگ و خواه آلترناتیو سازی سیاسی - می گشایند تا زمینه ساز فاجعه ای شوند که در صورت وقوع نه تنها تلفات بلافاصله ی انسانی بر جا خواهد گذاشت، بلکه در دراز مدت نیز تحقق سیاست مردمی، مبتنی بر آزادی و برابری را از افق دستیابی محو خواهد نمود.

از این رو به نظر می رسد مقابله با تحریف وقایع تاریخی و آگاهی رسانی نسبت به عواقب فاجعه بار روند تحریم اقتصادی (که برای مثال، پیامدهای انسانی دردناکی در کشور عراق بر جای گذاشت) اقدامی ضروری است. در این مسیر انتشار اطلاعات مدون و مبتنی بر پژوهش های میدانی و داده ها و مستندات آماری، می تواند گام کوچکی باشد برای مقابله با توهمات و دروغهایی که به طور سیستماتیک برای کم رنگ کردن پلیدی های «مداخلات بشر دوستانه» و زمینه سازی آنها نزد افکار عمومی، تولید و منتشر می شوند. تردیدی نداریم که این گام اگر چه لازم است، ولی برای هدف یاد شده ناکافی است.

## «عراق؛ کابوس بی پایان انسانی» (1)

بدون شک، بازنگری آن چه در بیش از یک دهه گذشته در عراق اتفاق افتاده است می تواند ابعاد فاجعه آمیز مداخله خارجی را در کشوری که از بسیاری جهات تشابهات نزدیکی با ایران دارد، آشکار سازد. در این مطلب قصد داریم به بخشی از عواقب ضد بشری مجموعه ای از تحریم های اقتصادی و تجاری از سوی سازمان ملل متحد علیه مردم عراق بپردازیم، که از سال 1990 آغاز شد و در نهایت با تحریم صادرات نفت عراق منجر به برنامه «نفت در برابر غذا» در سال 1995 شد که تا اشغال نظامی عراق در سال 2003 به طول انجامید. جان پیلجر، نویسنده، مستندساز و روزنامه نگار استرالیایی-انگلیسی یکی از کسانی است که تالیفات و مستندات بسیاری در جهت افشای سوپه های مرگبار سیاست های جنگ طلبانه و امپریالیستی کشورهای غربی تالیف و منتشر نموده است. وی تحقیق (نسبتاً) گسترده ای در زمینه اثرات برنامه «نفت در برابر غذا» بر مردم عراق، انجام داده است که حاصل پژوهش هایش را از طریق تولید یک فیلم مستند و نیز تالیف یک کتاب منتشر نموده است. در این مطلب لینک دانلود قالب پی دی اف ترجمه فارسی کتاب «اربابان جدید جهان» (2) - که در واقع نسخه سوم سه گانه «پشت پرده مخملین» می باشد - و نیز لینک دانلود ویدئوی مستند «کشتن کودکان عراقی برای پرداخت هزینه» (3) در اختیار مخاطبان قرار داده شده است. علاوه بر این گزیده ای از متن کتاب - به انتخاب خود نگارنده - که در بر دارنده آمار و ارقام و اطلاعات تکان دهنده ای از تلفات و عوارض انسانی برنامه «نفت در برابر غذا»ی سازمان ملل در رابطه با عراق می باشد، را جهت سهولت در مطالعه منتشر نموده ایم که در ادامه می آید.

در آوریل 2005، یعنی دو سال پس از انتشار نتایج تحقیقات جان پیلجر، در حالی که هر روز و هر ساعت اخبار هولناکی از وضعیت کشور عراق و مردم عراق به دنیا مخابره می شد، جرج بوش در جریان یکی از سخنرانی های پر شور در جمع سربازان آمریکایی در تگزاس گفت: «در حالی که دموکراسی در عراق به موفقیت دست می یابد، این موفقیت پیامی را از بیروت تا تهران می فرستد مبنی بر اینکه آزادی می تواند آینده هر ملتی باشد.»

هر چند در این مطلب مجال چندانی برای پرداختن به عمق فاجعه حاصل از حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق در قبال «جنگ بشر دوستانه» نیست، با این حال یاد آوری این اظهار نظر بوش و مطالعه مطلب زیر تداعی کننده این پرسش است که «مطالعه و مرور تاریخ رقت انگیز وقایع حاصل از مداخله خارجی در امور کشو های پیرامونی چه پیامی را به ما منتقل می کند؟»

## جان پیلجر: کشتن کودکان عراقی برای پرداخت هزینه!

جورج بوش: "ما خواهان ویرانی عراق نیستیم و نمی خواهیم مردم عراق را به خاطر تصمیمات و سیاست هایی که رهبران آن ها اتخاذ کرده اند، مجازات کنیم."

ژنرال ویلیام لونی فرمانده ی واحد هوایی مسوول بمباران عراق: "آنها می دانند که ما سرنوشت کشورشان را در دست داریم ... ما روش زندگی و نحوه ی برخورد آن ها را تعیین می کنیم و این نکته ی اساسی در رابطه با آمریکای امروز است."

صحت این برخورد هنگامی مشخص می شود که بدانیم عراق بر روی دریایی از نفت خوابیده است که نیاز امروز ماست ..."

مادلین آلبرایت، نماینده ی دائم سابق آمریکا و وزیر خارجه ی این کشور در پاسخ به این پرسش که آیا مرگ نیم میلیون کودک عراقی در اثر تحریم های سازمان ملل ارزش اعمال آن را دارد، گفت: " ما فکر می کنیم بهایی که می پردازیم ارزش آن را دارد ... " (4)

به هر کجای شهر بصره واقع در جنوب عراق سر بکشی، جز گرد و غبار چیزی نمی بینی. خیابان های این شهر تا قلب صحرا امتداد می یابند و گرد و خاک چشم، بینی و حلق را پر می کند. بر بازار و زمین های خاکی فوتبال که کودکان را با یک توپ پلاستیکی به خود مشغول کرده است، ابری از گرد و غبار موج می زند. گرد و غباری که به گفته ی دکتر جواد العلی بدر مرگ را بر شهر می افشاند.

دکتر العلی که متخصص سرطان شاغل در بیمارستان مرکزی شهر است عضو انجمن سلطنتی پزشکی انگلستان می باشد. سیلی پر پشت و زیبا، صورت مهربان و پرچین و چروک او را می پوشاند. کت سفید و تمیزی به تن دارد که به سفیدی پیراهن زیر آن است.

دکتر العلی می گوید: "پیش از جنگ، تنها سه یا چهار نفر در ماه در اثر ابتلا به سرطان می مردند اما اکنون این رقم به سی و پنج نفر رسیده است و این تنها به بخشی مربوط می شود که من در آن کار می کنم. در واقع نرخ مرگ و میر در اثر ابتلا به سرطان ۱۲ برابر شده است. بررسی های ما نشان می دهد که ۴۰ تا ۴۸ درصد ساکنان بصره طی پنج سال آینده به سرطان مبتلا خواهند شد و این به معنای نیمی از جمعیت این منطقه است. بیشتر اعضای خانواده ی خود من مبتلا به سرطان هستند و ما هیچ اطلاعی از تاریخچه ی این بیماری در بصره نداریم. دیروز پسر مدیر بیمارستان درگذشت. ما از منبع دقیق آلودگی خبر نداریم زیرا اجازه نداریم به تجهیزات لازم برای تحقیق بیشتر و یا حتی اندازه گیری دقیق میزان تشعشع در بدن خویش دسترسی پیدا کنیم. ما معتقدیم که استفاده نیروهای آمریکایی و انگلیسی از اورانیوم ضعیف شده در جنگ علیه عراق، به ویژه در جبهه های جنوبی این کشور علت اصلی بالا رفتن نرخ ابتلا به سرطان در این مناطق است. تاثیر این عامل

مانند حادثه چرنوبیل است. نخستین آثار سوء ژنتیک این پدیده به زودی نمایان خواهد شد. قارچ‌ها رشدی سرطانی دارند و ماهی‌هایی که در رودخانه زیبای شهر شناورند قابل خوردن نیستند. حتی انگورهایی که در باغچه‌ی کوچک خانه‌ی من روییده‌اند از نظر ژنتیک دچار تغییر شده و قابل استفاده نیستند."

در کریدور بیمارستان مرکزی بصره با خانم دکتر "جنان غالب حسن" متخصص کودکان ملاقات کردم. شاید این پزشک در موقعیتی دیگر می‌توانست شخصی مفید و موثر باشد. اما اکنون او در بیمارستان بصره، دچار نوعی سرخوردگی و افسردگی بود که بازتابی از چهره‌ی عراق امروز است. وی در حالی که دست یک مریض نحیف و در حال موت را که کودکی چهارساله به نظر می‌رسید در دست می‌فشرده گفت: "این علی رفیع اسودی ۹ ساله است و مبتلا به سرطان خون است و ما قادر به درمان او نیستیم زیرا همه‌ی داروهای مورد نیاز را به علت تحریم در دسترس نداریم. تنها برای دو یا سه هفته‌ی او دارو داریم ولی پس از آن دیگر هیچ، تنها در صورتی که دوره‌ی درمان کامل شود می‌توان به زنده ماندن این کودک امیدوار بود. ما حتی نمی‌توانیم انتقال خون را به درستی انجام دهیم زیرا کیسه‌ی خون به اندازه‌ی کافی در دسترس نداریم..."

در تخت دیگر بیمارستان، کودکی در آغوش مادرش آرام گرفته که یک طرف جمجمه او به شدت ورم کرده است. دکتر حسن می‌گوید: "این کودک مبتلا به نوروبلاستوما (Neuroblastoma) است که نوع تومور بسیار نادر محسوب می‌شود. تا سال ۱۹۹۱ ما هر دو سال تنها با یک مورد از این بیماری روبرو می‌شدیم اما اکنون با موارد بسیاری روبرو هستیم". کودک دیگری چشم‌هایش را به من دوخته است. بیماری او را سوال می‌کنم. خانم دکتر می‌گوید: "تومور شکمی (Abdominal Tumor). ما او را عمل کرده ایم اما در صورت عدم تداوم درمان، تومور بازگشت خواهد کرد. این بیمار باید دوره‌ی درمان را کامل کند اما با کمال تأسف ما به همه‌ی داروهای لازم برای ادامه‌ی درمان این بیمار دسترسی نداریم. او اکنون از نارسایی کلیوی رنج می‌برد و چندان امیدی به زنده ماندنش نیست. همه‌ی بیمارانی که در این بخش بستری هستند، آینده‌ی چندان امیدبخش ندارند."

دکتر "حسن" آلبومی را به نگارنده نشان داد که حاوی عکس کودکانی بود که وی موفق به درمان آنها نشده بود. او به عکس پسر بچه‌ای با لباس آبی و چشم‌های درخشان اشاره می‌کند و می‌گوید: "این تالوم صالح است و پنج سال و نیم سن دارد. او مبتلا به بیماری هوجکین است که نوعی سرطان غدد لنفاوی می‌باشد. مریض مبتلا به این بیماری، در شرایط عادی ۹۵ درصد امید به درمان و بهبود دارد. اگر داروهای مورد نیاز صالح به دست ما می‌رسید او نیز زنده می‌ماند ولی اکنون مرده است." به او گفتم چرا در حین قدم زدن ناگهان ایستادی و رویت را به دیوار کردی؟

گفت: "بله متاثر شدم. من پزشکم و نباید گریه کنم. اما هر روز گریه می‌کنم زیرا کار در اینجا برای من به شکنجه تبدیل شده است. این پسر بچه‌ها می‌توانند زنده بمانند و رشد کنند، اما وقتی می‌بینی این غنچه‌های بی‌گناه در برابر چشمانت پرپر می‌شوند، می‌توانی بی‌تفاوت باقی بمانی؟!"

پرسیدم: "شما چه صحبتی با آن دسته از افراد در غرب دارید که رابطه‌ی میان اورانیوم ضعیف شده و بیماری این کودکان را انکار می‌کنند؟"

"آنها دروغ می‌گویند. مگر برای اثبات این مساله چقدر سند و مدرک لازم است؟ اکنون دیگر رابطه‌ی میان بیماری این کودکان با اورانیوم ضعیف شده به اثبات رسیده است. پیش از سال ۱۹۹۱ کمتر با این موارد روبرو بودیم. اگر رابطه‌ی میان آن دو وجود ندارد چرا بیش از تاریخ فوق این موارد به ندرت مشاهده می‌شد؟ بیشتر این کودکان در خانواده‌ی خود سابقه‌ی ابتلا به سرطان نداشته‌اند. من آنچه را که در هیروشیما اتفاق افتاد به دقت مطالعه کرده‌ام و باید بگویم به مشابهت‌های فراوان میان بصره‌ی امروز و هیروشیما دیروز پی برده‌ام. هر روز بر تعداد نوزادان ناقص الخلقه در جنوب عراق افزوده می‌شود. موارد مربوط به بیماری‌های بدخیم، سرطان خون، تومورهای مغزی و ... در این مناطق پیوسته در حال افزایش است."

در اثر تحریم‌های اعمال شده بر ضد عراق از سال ۱۹۹۰ تاکنون، ورود تجهیزات لازم برای ضدعفونی و پاکسازی مناطق جنگی ممنوع اعلام شده است. این در حالی است که مناطق جنگی کویت به طور کامل پاکسازی شده و یک متخصص ارتش آمریکا به نام دکتر "داگ راک" مسئول این کار شده است. نگارنده در لندن با وی ملاقات و گفتگو کرد. وی گفت: "من در بدن خویش پنج هزار بار بیشتر از حد مجاز تشعشع رادیو اکتیو دارم و این آلودگی در جریان جنگ عراق حاصل شد. با آزمایش و به کارگیری مهمات هسته‌ای ضعیف شده در پایگاه‌های آمریکا در عربستان سعودی می‌توان گفت که به تقریب کل منطقه به این مواد آلوده شده است. چگونگی تاثیر این مواد بر افراد برحسب این که آن را استنشاق کرده، خورده یا نوشیده باشند و یا این که از طریق زخم باز جذب کرده باشند، تفاوت می‌کند. آن چه اکنون در مناطق جنوبی عراق شایع است نارسایی‌های تنفسی، کلیوی و سرطان است که نتیجه‌ی مستقیم به کارگیری مواد بسیار سمی و کشنده در جنگ است. بنابراین جنجال بر سر این که به کارگیری اورانیوم ضعیف شده در جنگ به وسیله نیروهای آمریکایی علت این بیماری‌ها نبوده است، مغلطه‌ای بیش نیست. بدن بیمار من، خود یک گواه زنده علیه این عوام فریبی هاست!"

به نظر دکتر راک مردم غرب باید با دو مساله به طور جدی برخورد کنند. اول، استفاده‌ی آمریکا و انگلیس از سلاح‌های کشتار جمعی مانند اورانیوم ضعیف شده در جنگ علیه عراق که از سال ۱۹۹۰ تا کنون بالغ بر ۳۰۰ تن از آنها به کار گرفته شده است. هر گلوله توپی که شلیک می‌شود حاوی ۵/۴ گرم اورانیوم جامد است که بدون هیچگونه حفاظ یا پوششی رها می‌شود. مواردی نیز مشاهده شده است که اورانیوم مزبور با پلوتونیوم مخلوط شده است. در واقع جنگ در عراق یک جنگ هسته‌ای اعلام نشده است."

مساله دوم انکار ابتلای سربازان و خدمه‌ی آمریکا و انگلیس به بیماری‌های مزبور و امتناع از ارائه‌ی خدمات درمانی مناسب به آنهاست. در این رابطه، ابتلای ده‌ها هزار عراقی را نیز نباید نادیده گرفت. نگارنده بارها شاهد بوده است که چگونه در سمپوزیوم‌های بین‌المللی مقام‌های عراقی از کارشناسان و هم‌تایان خود در یک کشور برای پاکسازی مناطق آلوده‌ی کشور خود یاری خواسته‌اند. عراقی‌ها به اورانیوم ضعیف شده

دسترسی نداشتند و از آن نیز به عنوان سلاح استفاده نمی کردند. آنها حتی با رموز استخراج این ماده از طبیعت نیز آشنا نیستند. کارشناسان و مقام های عراقی آمار هراس انگیزی از ابتلای مردم این کشور به بیماری های لا علاج ناشی از به کارگیری سلاح های کشتار جمعی را ارایه می دهند.

"کمیته تحریم سازمان ملل" مستقر در نیویورک که زیر نظر آمریکا و انگلیس فعالیت می کند، بارها با واردات تجهیزات حیاتی پزشکی، داروهای لازم برای شیمی درمانی و حتی مسکن ها به وسیله ی عراق مخالفت کرده است. نگارنده در بیمارستان های بغداد با بیمارانی روبرو شد که اغلب آنها پوستی تیره، سرطانی و بدنی نزار داشتند، بسیاری از این بیماران تا کنون جان سپرده اند. پس از هر معاینه، پزشکان از کمبود دارو شکایت می کردند. دکتر " فزه عزار" سرطان شناس جوان گله می کند: "هیچ دارویی در دسترس نیست!" نگارنده از او خواست لیستی از داروهایی را که بیمارستان سفارش داده اما هرگز دریافت نکرده است، تهیه کند. نگارنده که در این زمان سرگرم ساخت فیلمی مستند با عنوان " گزارشی از کشتار کودکان عراقی" بود، پس از بازگشت به لندن، فهرست مزبور را به دکتر "کارول سیکورا" رئیس برنامه مبارزه با سرطان سازمان بهداشت جهانی (WHO) نشان داد و وی نیز در مقاله ای که در نشریه ی پزشکی انگلیسی به چاپ رساند، نسیت به ممنوعیت صدور تجهیزات رادیوگرافی، داروهای شیمی درمانی و مسکن ها به عراق اعتراض کرد. به ظاهر تحریم های مزبور با این تصور اعمال می شد که ممکن است از داروها و تجهیزات مزبور در ساخت مواد شیمیایی و سلاح های ممنوعه استفاده شود. دکتر "سیکورا" به نگارنده گفت: " اغلب این داروها در تمامی بیمارستان های انگلیسی در دسترس هستند و در واقع داروهایی استاندارد و متعارف محسوب می شوند". پس از چندی نگارنده همراه با یک گروه کارشناس به عراق برگشت و لیستی از ۱۷ قلم داروی ضروری برای درمان سرطان تنظیم کرد. سپس گروه مزبور طی تماسی با سازمان ملل اعلام کرد که از هیچ یک از این داروها نمی توان در ساخت سلاح شیمیایی استفاده کرد. اما با کمال تاسف پاسخی دریافت نکرد. تاسف بارتترین چیزی که نگارنده در عراق مشاهده کرد این بود که کودکان عراقی تنها به خاطر فقدان دارو و تجهیزات شیمی درمانی و عدم دسترسی به مسکن می مردند. یکی از این داروها مرفین است که لازم ترین داروی اولیه برای یک بیمار سرطانی محسوب می شود. این در حالی است که بیمارستان بصره برای تسکین بیماران دردمند خود، تنها به یک شیشه حاوی حدود ۲۰۰ قرص آسپرین دسترسی داشت. بیماران سرطانی باید به طور مداوم مقدار مشخصی از داروی ضد سرطان دریافت کنند. اما با کمال تاسف این داروها را بسیار نامنظم و ناکافی دریافت می کردند.

یکی دیگر از داروهایی که ورود آن به عراق به علت آن چه که "امکان مصرف دوگانه" نامیده می شود، ممنوع اعلام شد، "اکسید نیترو" بود که به ویژه برای جلوگیری از خونریزی در عمل جراحی سزارین به کار می رود. فقدان این دارو ممکن است به قیمت مرگ مادر تمام شود. دکتر "سیکورا" می گوید: "ما هیچ دلیلی برای ممنوعیت نمی بینیم. البته من کارشناس تسلیحات نیستم، اما می دانم که مقدار استفاده از این دارو آنقدر ناچیز است که حتی کل موجودی آن را در کشور عراق جمع کنیم به دشواری می توان از آن سلاح تهیه کرد."

از او سوال کردم که برخورد سازمان بهداشت جهانی با اسناد و انتقادات چگونه است. در پاسخ گفت: "از ما به طور موکد خواسته شده است که در این مورد و دیگر موارد در مورد عراق اظهار نظر نکنیم. این سازمان از ورود به سیاست منع شده است. و بنابراین با دریافت این گزارش ها تنها دستپاچه و سراسیمه می شود."

کارگاه محمد غنی در بغداد مالمال از شمایل عیسی مسیح است که به سفارش کلیسای بغداد ساخته شده است. او به عنوان یکی از مشهورترین مجسمه سازان عراق افتخار می کند که واتیکان ساخت شمایل و مجسمه های مذهبی را به او که یک مسلمان است سفارش داده است. محمد غنی، عراق را مهد تمدن غرب می داند. آخرین اثر او مجسمه ی یک زن است که ۳۰ فوت ارتفاع دارد. فرزند این زن در حالی که به دامان او آویخته برای دریافت غذا گریه می کند. محمد غنی می گوید: "هر روز صبح من به این مجسمه نگاه می کنم. او سمبل زنانی است که هر روز جلوی بیمارستان های عراق صف می کشند. چشم همه ی این زنان به دری دوخته شده که همیشه بسته است. این در، که به ظاهر در داروخانه است در واقع سمبل دری است که عراق را به جهان متصل می کند، اما با کمال تاسف سال هاست که به وسیله ی حاکمان جدید جهان همچنان بسته مانده است."

روز بعد نگارنده در حالی که سرگرم تماشای صف زنان و کودکان در بیمارستان کودکان "المنصور" بود، لحن غمگین دکتر "محمد محمود" پزشک بیمارستان، همچون پتک بر سرش فرود آمد: "کودکان را که به مننژیت مبتلا هستند می توان با مقدار معینی از آنتی بیوتیک درمان کرد. در واقع دریافت چهار میلی گرم آنتی بیوتیک در روز، جان این کودکان را نجات می دهد. اما ما تنها اجازه داریم یک میلی گرم آنتی بیوتیک در اختیار آنها قراردهیم. این جا یک بیمارستان آموزشی است، اما کودکان جلوی چشم ما می میرند چون لوازم یدکی و تجهیزات مورد نیاز برای جداسازی پلاکت خون موجود نیست."

هنگام بازدید از صف مردم در یکی از بیمارستان های عراق به یکی از دوستان قدیمی به نام "دنیس هالیدی" برخورد کردم. این ایرلندی، هماهنگ کننده ی سابق امور بشردوستانه سازمان ملل در عراق بود که در اعتراض به آثار سوء تحریم ها بر غیرنظامیان عراقی، از سمت خود استعفا کرد. او اکنون دوباره به بغداد آمده و سرگرم گفتگو با یک مرد عراقی و دخترش بود. هالیدی در حالی که زانو زده بود تا بتواند دست های این دختر ۹ ساله را در دست بگیرد، فریاد زد: "صفا" و رو به من گفت: "جان، این دختر بچه "صفا مجید" است که همراه پدرش "مجید علی" به این جا آمده است. دو سال پیش، من با صفا در این بیمارستان آشنا شدم. در آن زمان من ریاست هیات نمایندگی سازمان ملل در عراق را بر عهده داشتم. صفا مبتلا به سرطان خون بود و در وضعیت مناسبی به سر نمی برد و من توانستم با کمک "سازمان بهداشت جهانی" داروهای مورد نیاز او را "مخفیانه" تهیه کنم. این داروها برای یک دوره ی دو ساله ی درمان کافی بود. امروز به صورت این دختر بچه نگاه کن! سلامت و شادابی در چهره ی او موج می زند و پدرش می گوید: "تنها ماهی یک بار به بیمارستان مراجعه می کند و من

فکر می کنم بیماری او تا حدود زیادی بهبود پیدا کرده است. "صفا" یکی از چهار کودکی بود که من به یاری آن ها شتافتم با کمال تاسف دو تن از آنها دیگر زنده نیستند."

- چرا مردند؟

-به دلیل کمبود دارو!

-اما شما در آن زمان مسئول هیات نمایندگی سازمان ملل در عراق بودید و ...

- بلی، اما من این کار را به طور غیر قانونی انجام می دادم. مسئولیت جان بیشتر افرادی که طی سالیانه اخیر در این بیمارستان و دیگر بیمارستان های عراق جان باختند بر عهده شورای امنیت سازمان ملل به ویژه شخص جورج بوش و تونی بلر است. آنها باید خود این جا می بودند تا تاثیر مرگبار تصمیمات خویش را از نزدیک مشاهده کنند. در این جا تمامی مفاد منشور ملل متحد و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نادیده گرفته می شود. غرب به کودکان و مردم عراق اعلام جنگ کرده است. در این جنگ هیچ یک از کنوانسیون های ژنو رعایت نمی شود. ما غیر نظامیان و بدتر از آن کودکان را هدف قرار می دهیم. برخی از این کودکان، پس از تجاوز عراق به کویت متولد شده اند. این برای سازمان ملل، جهان غرب و همه ی ما که خود را بخشی از سیستم دموکراتیک جهان می دانیم شرم آور است ..."

دنیس هالیدی پس از سی و چهارسال همکاری با سازمان ملل از سمت خود استعفا کرد. او که هنگام استعفاء معاون دبیرکل سازمان ملل بود، در کنفرانس مطبوعاتی، دلایل این اقدامش را چنین بیان کرد: "در تمامی این سال ها سعی می کردم به مردم کمک کنم، نه این که به آنها صدمه بزنم. من استعفا می دهم زیرا سیاست تحریم اقتصادی را سیاستی ورشکسته می دانم. ما روشی اتخاذ کرده ایم که هدف آن نابودی یک جامعه است ... هر ماه پنج هزار کودک بی گناه در عراق جان می بازند ... من نمی خواهم در برنامه ای مشارکت داشته باشم که چنین ارقامی در کارنامه اش ذکر می شود ...".

از هنگامی که نگارنده با هالیدی آشنا شد هر روز بیشتر از روز پیش به منطق و اصولی که در ورای سخنان سازش ناپذیر او نهفته بود پی برد: من مجبور بودم سیاستی را اجرا کنم که معنای دقیق آن "نسل کشی" است. همه می دانند که نظام حاکم بر عراق بهای تحریم ها را نمی پرداخت، بلکه بر عکس تحریم ها موجب تحکیم مواضع این نظام شد."

استعفای هالیدی در سازمان ملل با سکوت کامل مواجه شد. چندی بعد "فون اسپونک" جانشین "هالیدی" نیز از سمت خود استعفا کرد. وی در کنفرانس مطبوعاتی از سردمداران سازمان ملل پرسید: "آیا مردم عراق به خاطر کاری که انجام نداده اند، باید مجازات شوند؟! او نیز مانند هالیدی سی سال در خدمت سازمان ملل بود. چند روز بعد، "یوتا بوگارت" رئیس "برنامه ی جهانی غذا" در عراق نیز از سمت خود استعفا کرد. او هم اعلام کرد که دیگر نمی تواند آنچه را که برملت عراق می گذرد، تحمل کند.



وقتی من دوباره در بغداد به " اسپانک " برخورددم، نگرانی و تشویش را در چهره اش به وضوح دیدم. مسئولیت او نیز مانند هالیدی اداره ی برنامه ی به اصطلاح "نفت در برابر غذا" بود که از سال ۱۹۹۶ به وسیله ی سازمان ملل به اجرا درآمد و هدف از آن، صدور مقدار معینی از نفت عراق و واریز وجه آن در حسابی بود که تحت کنترل شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت. به تقریب یک سوم از این مبلغ صرف هزینه های سازمان ملل و نیز جبران خسارت های وارده بر کویت در دوران اشغال می شد. همچنین جبران خسارت های وارده بر کمپانی های نفتی و دیگر شرکت های چند ملیتی نیز از همین حساب صورت می گرفت. بقیه ی موجودی این حساب برای خرید مواد غذایی و پزشکی مورد نیاز عراق از بازارهای بین المللی و از طریق مناقصه هزینه می شد. هر قراردادی که به وسیله ی عراق در این زمینه منعقد می شد، باید به تصویب " کمیته ی تحریم سازمان ملل " در نیویورک می رسید.

پس از تجاوز عراق به کویت و اعمال تحریم های سازمان ملل از اوت ۱۹۹۰، تمامی واردات عراق، از جمله مواد غذایی، برای هشت ماه متوقف شد. این کار با وجود نص صریح قطعنامه ی ۶۶۱ سازمان ملل انجام شد که به موجب آن مواد غذایی و دارویی از تحریم ها مستثنا اعلام شد. تا یک سال پس از این تاریخ، سازمان ملل به عراق اجازه نداد که بر میزان ذخیره های ارزی خود بیفزاید. به نوشته ی روزنامه ی واشنگتن پست: " بمباران زیرساخت های غیرنظامی در عراق با این امید صورت می گرفت که تاثیر اقتصادی و روانی تحریم ها را بر جامعه ی عراق دو چندان سازد ... . در تمامی این سال ها، حمله به این زیر ساخت ها تصادفی و اشتباهی اعلام می شد. در واقع، بمب ها به طور دقیق به اهداف مورد نظر آمریکا ( نیروگاه های برق، پالایشگاه ها و شبکه ی حمل و نقل ) اصابت می کرد ... ."

" مارتی آتی ساری " معاون دبیرکل سازمان ملل در مورد سیستم خدمات زیربنایی عراق می نویسد: "عراق مدتی است که به مرحله ی پیش از صنعتی گام گذاشته است. اما از نقاط ضعفی رنج می برد که مهم ترین آن ها وابستگی شدید به مصرف انرژی و تکنولوژی است". یک تیم مطالعاتی از دانشگاه هاروارد "عراق را در آستانه ی یک فاجعه ی بهداشتی" ذکر می کند. از سال ۱۹۹۱ تاکنون ده ها هزار نفر از مردم این کشور جان باخته اند که بیشتر آنها را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند. یک گروه از متخصصان و کارشناسان مستقل آمریکایی نیز برآورد کرده اند طی هشت ماه اولیه ی برقراری تحریم ها که ورود هر نوع ماده ی غذایی و دارویی به عراق متوقف شد ۴۷۰۰۰ کودک عراقی زیر پنج سال جان باختند. اما دولت بوش، با همه ی این آمار و اطلاعات بی تفاوت برخورد کرد.

در قطعنامه شماره ی ۶۸۷ شورای امنیت که در سال ۱۹۹۱ از تصویب شورا گذشت پیش بینی شده است که در صورت انهدام سلاح های کشتار جمعی (هسته ای، شیمیایی، بیولوژیک) و برجیدن موشک های بالستیک با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر به وسیله ی عراق و نیز همکاری صادقانه ی این کشور با کمیسیون خلع سلاح، تحریم ها علیه عراق لغو شود.

“اسکات رایتر” که مدت ۵ سال به عنوان کارشناس ارشد در کمیسیون خلع سلاح عراق خدمت کرده است، پیش از آغاز جنگ اخیر در عراق می گوید: “با قاطعیت می توانم بگویم زیر ساخت تسلیحات شیمیایی عراق به طور کامل نابود شده است، برنامه ی تولید سلاح های بیولوژیک متوقف شده و تمامی تاسیسات عمده ی آن نابود شده است. موشک های دوربرد عراق هم برچیده شده اند. اگر بخواهیم تهدید عراق را ارزیابی کنیم باید بگویم که این تهدید اکنون به صفر رسیده است.” “کمیته ی تحریم سازمان ملل” پیوسته با ورود غذای کمکی کودکان، تجهیزات کشاورزی، داروهای قلبی و ضد سرطان، وسایل رادیولوژی، چادر اکسیژن و برخی دیگر از تجهیزات پزشکی به عراق مخالفت کرده است. بارها و بارها قرارداد خرید دستگاه های لازم برای درمان بیماران قلبی و ریوی عراق به بهانه ی دارا بودن تراشه های کامپیوتری، به وسیله ی کمیته ی تحریم سازمان ملل لغو شد. قرارداد خرید یک ناوگان آمبولانس نیز به بهانه ی این که قطعه های به کارگرفته شده در تجهیزات خنک کننده ی این آمبولانس ها کاربرد دوگانه دارد، لغو شد. مواد پاک کننده و ضد عفونی کننده مانند “پرکلرین” و ذغال به کاررفته در مدادها نیز در لیست اقلام ممنوعه برای ورود به عراق قرار گرفت. از سال ۲۰۰۱ تا لحظه ی آغاز جنگ عراق، بیش از ۱۰۱۰ قرارداد خرید اقلام ضروری برای عراق به وسیله ی کمیته ی تحریم سازمان ملل لغو شد. این قراردادها در رابطه با اقلام غذایی، آب و فاضلاب، کشاورزی و آموزشی بوده است.

طی این سال ها، اغلب اعضای شورای امنیت سازمان ملل خواستار کاهش یا لغو تحریم ها علیه عراق بودند. فرانسه، تحریم ها را “ظالمانه”، “بی اثر و خطرناک” توصیف می کرد. اما آمریکا و انگلیس که اداره ی کمیته ی تحریم سازمان ملل را در اختیار داشتند پیوسته با لغو تحریم ها مخالفت کرده و هر گونه پیشنهادی را در این زمینه وتو کردند. کار به جایی رسید که در آستانه حمله اخیر به عراق کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که “مخالفت ها و وتوهای مکرر آمریکا و انگلیس، ادامه ی برنامه نفت در برابر غذا را با مشکل روبرو کرده است.” وی از کمیته تحریم سازمان ملل خواست که فوری قراردادهای مربوط به تاسیسات برق و سیستم بهداشتی عراق را از تصویب بگذرانند زیرا “اجرای این قراردادها برای تامین سلامت و رفاه مردم عراق اهمیت مبرم دارد.” اداره گمرک انگلیس نیز مانع ارسال هرگونه بسته حاوی لباس و اسباب بازی به عراق می شد. “جان اش ورث” رئیس کتابخانه ی ملی بریتانیا در نامه ای “هاری کوهن” نماینده ی مجلس این کشور می نویسد: “پس از مشورت با وزیر خارجه تصمیم گرفته شد که ارسال هر گونه کتاب به عراق تا اطلاع ثانوی متوقف شود.” در ارسال مواد غذایی به عراق نیز نوعی ریاکاری و عوام فریبی مشاهده می شد. آن دسته از مواد غذایی که آمریکایی ها اجازه ی ورود آن ها را به عراق می دادند به ظاهر بر اساس ۲۳۰۰ کالری مورد نیاز بدن هر عراقی در روز تنظیم شده بود در حالی که در عمل در سطح ۲۰۰ کالری یا کمتر عملی می شد. در این لیست غذایی، جای پروتئین های حیوانی، مواد معدنی، و ویتامین ها خالی بود. آنچه وضع را بدتر می کرد این بود که در عراق امروز هیچ منبع درآمدی به جز مبادله ی مواد غذایی و خوراکی وجود ندارد و مردم این کشور مجبورند مواد غذایی دریافتی را برای تامین برخی نیازهای دیگر خویش (مانند کفش و لباس برای مدرسه ی

فرزندان خود) در بازار آزاد به فروش برسانند. این امر، موجب کاهش باز هم بیشتر کالری دریافتی به وسیله ی عراقی ها می شود. فقدان آب آشامیدنی سالم نیز مزید بر علت شده است. بنابراین سرمایه گذاری بر روی منابع آب، برق، آموزش و پرورش و کشاورزی عراق از اولویت میرم برخوردار است.

به گفته "هانس فون اسپونک" برنامه ی نفت در برابر غذا بر اساس سقف ۱۰۰ دلار برای هر عراقی در سال تنظیم شده بود. بدیهی است با این مقدار نمی توان زنده ماند. قطع برق در برخی نقاط عراق، به ۲۲ ساعت در روز می رسید. آب آشامیدنی سالم وجود ندارد و بیشتر بیماران عراق به معالجه و درمان دسترسی ندارند. "هانس فون اسپونک" اضافه می کند: "در گذشته من از به کار بردن واژه ی "نسل کشی" اکراه داشتم، اما اکنون به نظر می رسد هیچ واژه ی دیگری بهتر از این واژه نمی تواند بیان کننده ی اوضاع در عراق امروز باشد." تلفات انسانی در عراق هول انگیز است. بر اساس یک بررسی که به وسیله ی صندوق کودکان ملل متحد "یونیسف" انجام شده است، تنها بین سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ بیش از پانصد هزار کورک زیر پنج سال عراقی در این کشور جان سپرده اند. هم اکنون روزانه ۱۶۷ کودک عراقی در این کشور جان می سپارند.

بر اساس یک گزارش منتشره از سوی سازمان ملل، عراق که روزگاری یک کشور "به نسبت مرفه" در جهان عرب محسوب می شد، اکنون به کشوری فقر زده تبدیل شده است. نرخ مرگ و میر کودکان در عراق، از یکی از پائین ترین نرخ ها در جهان، به بالاترین نرخ رسیده است. "ریچارد گارفیلد" اپیدمیولوژیست برجسته و استاد دانشگاه کلمبیای آمریکا می گوید: "سه برابر شدن نرخ مرگ و میر کودکان در عراق طی چندسال، در تاریخ جهان بی سابقه است". وقتی خبرنگار از مادلین آلبرایت وزیر خارجه ی وقت آمریکا پرسید: ما شنیده ایم که بیش از نیم میلیون کودک عراقی در اثر اعمال تحریم اقتصادی در عراق جان باخته اند آیا تداوم این سیاست ارزش پرداخت این بهای سنگین را دارد؟ پاسخ می دهد: "انتخابی دشوار است، اما من فکر می کنم که ارزش آن را دارد!"

بلافاصله پس از کشف نفت در عراق در سال های پایانی سده ی نوزدهم، قدرت های اروپایی برای تسلط بر این کشور زرخیز به رقابت با یکدیگر پرداختند. تا سال ۱۹۱۸ عراق جزئی از امپراتوری عثمانی بود. با فروپاشی این امپراتوری در پایان جنگ جهانی اول و تقسیم آن به کشورهای متعدد، عراق و دیگر کشورهای عرب همسایه ی آن به مستعمره ی کشورهای اروپایی تبدیل شدند. فرانسه سوریه، لبنان و شمال عراق را زیر سلطه گرفت. انگلیس نیز بغداد، بصره و جنوب عراق را به کنترل خود در آورد. منطقه ی کردنشین نیز به کنترل انگلیس در آمد و وقتی کردها قیام کردند وینستون چرچیل وزیر مستعمرات انگلیس اعلام کرد: "من استفاده از گاز شیمیایی علیه این مردم نامتمدن را تأیید می کنم."

انگلیس با بمباران وحشیانه روستاها و سوزاندن فرآورده های کشاورزی، و بمب های فسفوری جنبش استقلال طلبانه مردم عراق را سرکوب کرد و یک فرد دست نشانده ی خود را به نام "فیصل" به عنوان شاه عراق بر تخت

سلطنت نشاند. به این ترتیب عراق، این سرزمین مرغوب ترین نفت جهان، تا آستانه ی جنگ سوئز (۱۹۵۶) همچنان مستعمره انگلیس باقی ماند.

دو سال بعد از جنگ سوئز، ناسیونالیست های عراقی به رهبری عبدالکریم قاسم نظام سلطنتی را سرنگون کردند. نظام جدید تا حدودی آزادی های سیاسی را رعایت می کرد. اجرای اصل عدم تمرکز در اداره ی کشور و به رسمیت شناختن زبان و هویت ملی خلق کرد از دستاوردهای نظام جدید بود. وقتی منافع شرکت نفت عراق (که در واقع کنسرسیومی از شرکت های نفتی غرب بود) در اثر اجرای طرح ملی شدن صنعت نفت به خطر افتاد، رژیم قاسم با یک کودتای آمریکایی به رهبری سازمان "سیا" سرنگون شد و حزب بعث به رهبری "علی صالح سعاده" به قدرت رسید. با مستقر شدن نظام ترور و وحشت، سعاده اعلام کرد که "ما در رسیدن به قدرت مدیون کمک های سیا هستیم". از داخل همین نظام بود که صدام حسین سر بر آورد و از سال ۱۹۷۹ به مرد اول عراق تبدیل شد. "سعید ابوریش" نویسنده ی شرح حال صدام حسین می گوید: "صدام باید بسیار ممنون سیا باشد. سیا حزب بعث را به قدرت رساند و سال ها نظام صدام حسین را از نظر مالی و نظامی کمک کرد. چندین توطئه ی کودتا علیه صدام به کمک افسران سیا ناکام ماند و این روابط تا اوایل دهه ی ۱۹۹۰ همچنان گرم و گسترده باقیماند."

آمریکا از رژیم صدام به عنوان سدی در برابر گسترش امواج انقلاب ایران به جهان عرب استفاده کرد و این نگرش تا آستانه ی حمله عراق به کویت همچنان رویکرد مسلط در دولت آمریکا محسوب می شد. در اواخر سال ۱۹۸۹ جان کلی معاون وزیر خارجه ی آمریکا ضمن دیدار با صدام حسین در بغداد خطاب به وی اظهار داشت: "شما محور میانه روی در منطقه محسوب می شوید و ایالات متحده مایل است روابط خود را با عراق در همه ی زمینه ها گسترش دهد." در همین زمان رژیم صدام به سرعت در حال گسترش توانایی خود در زمینه ی تولید سلاح های کشتار جمعی، از جمله بمب اتمی بود و آمریکا نیز از این امر اطلاع داشت. یکی از مقام های وزارت انرژی آمریکا در این زمان می گوید: "ما می دانیم که برنامه ی هسته ای عراق در حال پیشرفت است و قطعات پیشرفته ی یک راکتور هسته ای به تازگی وارد عراق شده است اما دولت آمریکا بر روی این مساله چشم فرو می بندد و صدام را متحد خود می داند."

از ابتدای سال ۲۰۰۰، وزارت بازرگانی و صنعت انگلیس، صدور واکسن دیفتیری و تب زرد را به عراق ممنوع اعلام کرد. به نظر دولت انگلیس از این واکسن ها می توان در ساخت سلاح های کشتار جمعی استفاده کرد. کمبود دارو و بدی تغذیه موجب افزایش نارسایی های ذهنی در میان کودکان عراقی به میزان ۱۲۵ درصد شد. اکنون فقر در عراق بیداد می کند. یک معلم به نگارنده گفت که برای تامین مایحتاج ضروری خود، تمامی کتاب هایش، از جمله قرآن و فرهنگ لغاتش را فروخته است.

نگارنده به تازگی به واشنگتن سفر کرد تا پرسش ها و ابهام های موجود را در زمینه ی حمله به عراق و تحریم اقتصادی این کشور، از وزیر خارجه ی آمریکا بپرسد. اما با کمال تاسف امکان مصاحبه با وزیر خارجه فراهم نشد و

جیمز روبین یکی از دستیاران ارشد وزارت خارجه ی آمریکا در این مصاحبه شرکت کرد. روبین که سی و چند ساله به نظر می رسد، سمبل سیاستمداران آمریکایی دوران پس از جنگ سرد است. یک تبلیغات چی ماهر و زیرک.

مصاحبه در یکی از اتاق های وزارت خارجه ی آمریکا انجام شد که پوشیده از شمایل و پرچم ها و تصویرهای جنگ استقلال آمریکا بود. وی صحبت خود را با این جملات آغاز کرد: "ما آمریکایی ها تا کنون میلیاردها دلار خرج ارسال مواد غذایی و دارویی به عراق کرده ایم" و منظور روبین کمک های انسان دوستانه ای بود که هزینه ی آن از محل فروش نفت عراق براساس برنامه ی "نفت در برابر غذا" پرداخت می شد. وی افزود: "هدف از تحریم های اعمال شده علیه عراق، اطمینان از عدم دسترسی رژیم صدام حسین به میلیاردها دلاری بود که ممکن بود صرف بازسازی توان نظامی عراق به ویژه ساخت سلاح های شیمیایی و بیولوژیک شود".

پرسیدم: "سال های طولانی ایالات متحده رژیم صدام حسین را به سلاح های کشتار جمعی مسلح کرد و وی را تشویق به استفاده از این سلاح ها علیه همسایگانش کرد. این تضاد را چگونه پاسخ می دهید؟"

"من تضادی نمی بینم. مسئولیت این امر تنها و تنها برعهده ی رژیم عراق است. ایالات متحده کردهای عراق را بمباران شیمیایی نکرد ...".

- اما مواد و تجهیزات لازم برای ساخت سلاح شیمیایی و میکروبی به وسیله ی شرکت American type Clutru Collection که مقر آن در راکویل مرلیند است در اختیار رژیم صدام قرار گرفت و ...!

- "من اطمینان دارم که آنها به خاطر این مساله مجازات شده اند".

- خیر! آنها مجوز وزارت بازرگانی آمریکا را در اختیار داشتند ... .

- این مسخره است! ما هم فروش مواد شیمیایی را به عراق ممنوع اعلام کنیم و هم مجوز صدور چنین موادی را صادر کنیم!

- همین طور است. کمیته ی تحقیق مجلس سنا، به تازگی اعلام کرد که وزارت بازرگانی اجازه ی صدور عوامل بیولوژیک به عراق را صادر کرده است. تمامی اسناد این معامله در کتابخانه ی کنگره ی آمریکا موجو است.

- آیا شما فکر می کنید که این تضاد، می تواند بیانگر منشی عمومی ایالات متحده باشد؟

- به هرحال این اتفاق افتاده است و من تنها به تضاد موجود میان تحریم عراق از یک سو و حمایت از دیکتاتور حاکم بر این کشور از سوی دیگر، اشاره کردم. در واقع، تحریم اعمال شده علیه عراق هیچ آسیبی به این دیکتاتور وارد نکرد و تنها مردم بی گناه این کشور را هدف قرارداد.

- آلام مردم عراق گناه ما نیست. مقادیر انبوهی از مواد غذایی و دارو در عراق وجود دارد که در انبارها ذخیره شده اما میان مردم توزیع نمی شد.

- اما، مقام های ارشد دولت آمریکا این را تایید نمی کنند. به گفته ی آنها بخش عمده ی کمک های ارسالی به عراق حداکثر ظرف یک هفته در کشور توزیع می شد.

- براساس یک گزارش منتشره به وسیله ی دفتر سازمان ملل در عراق ۷۶ درصد داروهای ارسالی به عراق میان بیمارستان ها و مراکز درمانی این کشور توزیع شد و بقیه نیز به توصیه ی سازمان بهداشت جهانی به عنوان ذخیره احتیاطی نگاهداری می شد.

- اگر همین گزارش را به دقت مطالعه کنید در آن به مواردی اشاره شده است که به موجب آن دولت عراق مواد غذایی و دارویی وارداتی را توزیع نمی کرد.

- چندی پیش محموله ای به ارزش ۷۳ میلیون دلار در انتظار مجوز صدور به عراق در نیویورک انباشت. اگر آن چه شما می گوئید حقیقت دارد چرا کوفی عنان به تازگی دولت آمریکا را به خاطر توقیف ۷۰۰ میلیون دلار از کمک های بشردوستانه به عراق مورد انتقاد قرارداد؟

- این را باید از او پرسید!

جیمز روبین سپس به این مساله اشاره کرد که بر اساس گزارش منتشره به وسیله ی یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد) دولت عراق مسئول افزایش نرخ مرگ و میر کودکان به ویژه در جنوب این کشور است. من در پاسخ گفتم که در گزارش مزبور آمده است که "تفاوت نرخ مرگ و میر کودکان در شمال و جنوب عراق را نمی توان به نحوه ی توزیع کمک های دریافتی از خارج نسبت داد ... .

روبین با عصبانیت گفت: "اگر می خواهید در این مورد سخنرانی کنید، من تریبون را در اختیار شما بگذارم!"

- تصور نمی کنم که چنین لحنی شایسته ی یک مقام ارشد دولت آمریکا باشد!

- آماده ام که سخنرانی شما را گوش کنم!

- چرا گزارش یونیسف را تحریف می کنید؟

- تجزیه و تحلیل ما از شرایط امروز عراق بر اساس منابع مختلف اطلاعاتی صورت می گیرد که تنها یکی از آنها یونیسف است ... .

- رئیس هیات نمایندگی سازمان ملل در عراق به تازگی از آمریکا و انگلیس خواسته است که اجازه دهند کمک های بشردوستانه وارد این کشور شود. اسپوتک گفته است "جنگ با صدام حسین را بر روی شانه های نحیف غیرنظامیان عراق به پیش نبرید!"

- اظهار نظر آقای فون اسپونک خارج از حیطه ی صلاحیت ایشان است ... .

- او درباره ی مسایل انسانی اظهار نظر کرده است. اسپونک با صلاحیت ترین فرد برای این اظهار نظر است.

آقای روبین شما با چه منطقی یک ملت را به خاطر وجود یک دیکتاتور خونریز به گروگان گرفته اید؟

- ببینید! در جهان واقعی باید تصمیم های واقعی اتخاذ کرد. نظر ما این بود که رژیم صدام حسین را از میلیاردها دلار درآمد نفتی که ممکن بود برای در خطر قراردادن جهانیان به کارگرفته شود، محروم کنیم. ما بارها و بارها تاسف خود را از درد و رنجی که ملت عراق در این راه متحمل می شود ابراز کرده ایم.

از او پرسیدم که آیا با نظر مادلین آلبرایت مبنی بر اجرای سیاست حتی به بهای مرگ نیم میلیون کودک عراق موافق است و او در پاسخ گفت: "این گفته ی آلبرایت مورد تحریف قرار گرفته است!"  
نگارنده نسخه ای از متن مصاحبه با آلبرایت را در اختیار روبین قرارداد و وی در پاسخ گفت: "ما با رقم نیم میلیون موافق نیستیم!"

- اما این رقم را سازمان بهداشت جهانی ذکر کرده و سازمان یونیسف نیز آن را تایید کرده است.  
- با کمال تأسف روش تنظیم این گزارش ها به نحوی است که مورد تایید ما نیست. مساله انتخاب میان خوب و بد نیست، بلکه میان بد و بدتر است. البته این صحیح است که با کمال تأسف آثار زیان بار تحریم، از آن چیزی که ما تصور می کردیم قدری فراتر رفت...!"

- چرا ایالات متحده غیرنظامیان را بمباران می کند؟  
- هواپیماهای ما برای حمایت از مردم عراق در برابر صدام حسین، بر آسمان این کشور به پرواز درآمدند و اگر به مانعی بر سر راه خود برنخورند دیگر نیازی به شلیک موشک های هوا به زمین نمی بینند!"  
- به گزارش سازمان ملل، هواپیماهای شما چوپان ها، گله ها و خانواده های آن ها را بمباران کرده و می کنند!"  
- این گزارش ها با استناد به منابع عراقی تنظیم شده اند. عراقی ها به هر کاری برای گمراه کردن افکار عمومی دست می زدند .... من نمی توانم در این مورد نظر بدهم چون کارشناس مسایل نظامی نیستم. شما باید این پرسش را از پنتاگون بپرسید.

- خیر! چون فکر نمی کردم در آن جا از من به گرمی استقبال شود. پس چطور می توانید با این قاطعیت درباره ی مسایل عراق صحبت کنید؟  
- من با افراد بسیاری در این باره صحبت کرده ام ... از این گذشته، آن چه که بر همگان روشن است این که صدام حسین به کشورهای دیگر حمله کرد و اصول اولیه ی حاکم بر سیستم بین المللی را نقض کرد. بنابراین عراقی ها باید بهای این تخلف را می پرداختند...!"

- چه کسی باید بهای آن را بپردازد؟  
- ما تلاش کردیم که عواقب آن را برای مردم عراق به حداقل برسانیم. اما شما باید توجه داشته باشید که میان جهان واقعی و جهان آرمانی فرسنگ ها فاصله است ... .

- آیا به نظر شما پرسیدن این که چه کسی باید بهای تجاوز رژیم عراق به کشورهای همسایه را بپردازد، یک پرسش ایده آلیستی است؟ ما درباره ی صدام حسین سخن نمی گوئیم، بلکه روی سخن ما با مردم بی گناهی است که در بمباران اتمی هیروشیما، قتل عام های تیمور شرقی و بمباران های عراق جان باخته اند!  
- من فکر می کنم مقایسه ی عراق با هیروشیما اندکی مبالغه آمیز باشد.

- از عراق نیز به عنوان یک فاجعه نام برده می شود.  
- بسیار خوب! اما مقایسه ی عراق با هیروشیما، جفا به قربانیان فاجعه اتمی هیروشیماست!

-آیا به نظر شما مرگ نیم میلیون کودک فاجعه نیست؟

-ما پیش از این در این باره بحث کرده ایم.

به دنبال این مصاحبه نگارنده به نیویورک رفت تا با کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل مصاحبه کند. شخصیت او درست نقطه مقابل شخصیت روبین بود. او آنچنان آرام و راحت سخن می گفت که گویی مخاطبی ندارد.

به عنوان دبیرکل سازمان ملل چه صحبتی با پدر و مادر کودکانی دارید که در اثر تحریم های سازمان شما علیه عراق جان باخته اند؟ وی در پاسخ اظهار داشت که هدف تحریم های برقرار شده علیه عراق، رهبران این کشور است و نه کودکان. من پاسخ گفتم هدف از تاسیس سازمان ملل که کمک به مردم و نه صدمه زدن به آنها بوده است. وی در پاسخ گفت: "از روی حوادث عراق درباره ی ما قضاوت نکنید!"

نگارنده سپس به دفتر "پیتروان والسام" سفیر هلند در سازمان ملل و رئیس کمیته تحریم این سازمان رفت. والسام فردی است که زندگانی ۲۲ میلیون عراقی به مدت بیش از ده سال در دست او بود. آن چه در شخصیت این دیپلمات مرا تحت تاثیر قرارداد، این بود که او نیز مانند دیگر سیاستمداران لیبرال غرب از سووی همه ی عراقی ها را صدام حسین فرض می کرد و از سووی دیگر از ایشان به عنوان قربانی سیاست های دیکتاتور حاکم بر عراق یاد می کرد. پس از مصاحبه، وی فاکسی برای نگارنده ارسال کرد که در آن از من خواسته می شد متن مصاحبه را تنها با اطلاع و رضایت وی مورد استفاده قراردهم.

از او پرسیدم چرا مردم عادی عراق را به خاطر جنایت های صدام حسین مجازات کردید؟ وی در پاسخ گفت: "این یک معضل بزرگ است. باید بدانید که اعمال مجازات و تحریم، یکی از موثرترین ابزارهای شورای امنیت است. بدیهی است که تحریم می تواند همچون چاقوی دولبه نیز عمل کند ...".

- تحریم به چه کسی صدمه می زند؟

- این یک معضل است! همانطور که در یک عملیات نظامی ممکن است به غیرنظامیان آسیب برسد، تحریم اقتصادی نیز ممکن است مردم عادی را دچار مضیقه سازد ..."

- بنابراین یک ملت ممکن است آسیب ببیند!؟

- خیر! من تنها گفتم که تحریم پیامدهایی دارد که در آینده مشخص می شود.

- آیا شما به این معتقدید که انسان ها صرف نظر از این که در کجا و با چه سیستمی زندگی می کنند، از حقوق اولیه ی انسانی برخوردارند؟

- بله!

- آیا فکر نمی کنید تحریم هایی که علیه عراق اعمال کرده اید نقض حقوق اولیه ی میلیون ها عراقی بوده است؟  
- باید به آنچه شما گفته اید اضافه کنم که رژیم عراق موارد فاحشی از نقض حقوق بشر را مرتکب شده است

...



- در این مورد جای تردید نیست. اما به نظر شما میان نقض حقوق بشر به وسیله ی رژیم صدام و آنچه که شما مرتکب شدید تفاوتی وجود ندارد؟
- همانطور که گفتم این مساله بسیار پیچیده است آقای پیلگر!
- شما به کسانی که مدعی اند تحریم های سازمان ملل همچون یک سلاح کشتار جمعی مانند سلاح شیمیایی عمل کرده و زندگی مردم عادی عراق را هدف قرار داد، چه پاسخی می دهید؟
- من فکر نمی کنم این مقایسه صحیح باشد!
- آیا به نظر شما مرگ نیم میلیون کودک کشتار جمعی محسوب نمی شود؟
- فکر نمی کنم طرح مساله به این شکل صحیح باشد. ما درباره ی دولتی صحبت می کنیم که بارها همسایگان خود را تهدید کرد و سلاح کشتار جمعی نیز در اختیار داشت و ...
- اگر این طور است، پس چرا علیه اسرائیل که سرزمین فلسطینی ها را اشغال کرده و بارها سوریه، لبنان و مصر را مورد حمله قرار داده است، چنین تحریم هایی اعمال نمی شود؟ چرا ترکیه که موجب آوارگی سه میلیون کرد شده و دست کم سی هزار تن از آن ها را به قتل رسانده است مورد تحریم قرار نمی گیرد؟
- ما از عملکرد بسیاری از کشورها راضی نیستیم. اما نمی توانیم در همه جا حضور داشته باشیم. دوباره تکرار می کنم که این مساله بسیار پیچیده است.
- آمریکا تا چه حد بر کمیته ی تحریم سازمان ملل اعمال نفوذ می کند؟
- ما به اتفاق آرا عمل می کنیم.
- و اگر آمریکایی ها مخالفت کردند؟
- آن وقت دست نگره می داریم!
- نگارنده سعی کرد با رابین کوک وزیر خارجه وقت انگلیس در لندن گفتگو کند، اما یکی از مقام های وزارت خارجه ی انگلیس گفت کوک تمایل ندارد در مصاحبه ای شرکت کند که قرار است در چارچوب فیلمی گنجانده شود که در آن صحنه هایی از جسدهای کودکان عراقی به نمایش در می آید. سرانجام پس از دو ماه رفت و آمد، نامه پراکنی و تماس تلفنی و حضوری، این مصاحبه منتفی شد.
- پس از چندی که فیلم "کشتار کودکان عراقی" به اکران درآمد، وزارت خارجه ی انگلیس در اطلاعیه ای مدعی شد که هدف تحریم های سازمان ملل، مردم عراق نبوده، بلکه سردمداران این کشور بوده است. در این اطلاعیه همچنین اعلام شد که رژیم عراق ۲۷۵ میلیون دلار دارو و مواد غذایی را در انبارهای خود ذخیره کرده و از توزیع آن ها میان مردم سر باز می زند. این دروغی بزرگ بود که سازمان ملل، یونیسف و سازمان های بشردوست فعال در عراق، همگی آن را تکذیب کردند.
- البته جای تردید نیست که اگر منافع صدام حسین و اطرافیانش اقتضا می کرد که مردم این کشور در فقر و محرومیت به سربرند، لحظه ای در این کار درنگ نمی کردند، اما صدام حسین بر خلاف دیگر دیکتاتورها، نه تنها

روز به روز رژیم خود را بیشتر تحکیم کرد، بلکه حتا در آستانه ی حمله به کویت، از محبوبیت نسبی در میان مردم خود برخوردار شد.

صدام درآمدهای نفتی عراق را سخاوتمندانه در میان مردم کشور توزیع می کرد ضمن این که مخالفان خود را نیز به قتل می رساند و یا به تبعید می فرستاد. او بیشتر از هر رهبر دیگر عرب، درآمدهای نفتی کشورش را در خدمت مدرنیزه کردن زیرساخت های کشور، ساخت بیمارستان های درجه یک و مجهز و نیز احداث دانشگاه و مدرسه به کار گرفت.

به این ترتیب، سیاست های صدام حسین، به تشکیل یک طبقه متوسط تحصیل کرده و مرفه در عراق انجامید. پیش از تحریم، هر عراقی به طور متوسط ۳۰۰۰ کالری مواد غذایی در روز دریافت می کرد. ۹۲ درصد مردم کشور به آب آشامیدنی سالم و ۹۳ درصد نیز به خدمات بهداشتی دسترسی داشتند. نرخ ب سوادگی در عراق، امروز یکی از بالاترین نرخ ها در جهان است و به ۹۵ درصد بالغ می شود. به گزارش واحد اطلاعات نشریه ی اکونومیست، سیستم رفاه بخشی عراق، یکی از جامع ترین و موفق ترین سیستم ها در جهان عرب محسوب می شود.

برخی معتقدند که تنها صدام حسین از تحریم عراق منتفع شد. او به بهانه ی اعمال تحریم، قدرت دولتی را بیش از پیش در دست خود متمرکز کرد و هر روز بیش تر از روز پیش به اعمال قدرت مستقیم بر زندگی روزمره ی مردم پرداخت. کار به جایی کشید که در آستانه ی سقوط صدام، بخش بزرگی از مردم عراق برای تامین مایحتاج روزمره ی خویش به سهمیه های دولتی، متکی شدند. هر گونه مقاومت سازمان یافته در برابر رژیم، به شدیدترین نحو سرکوب می شد. جامعه به نسبت باز و طرفدار غرب عراق، پیش از سال ۱۹۹۱، همیشه با احتمال خیزش های مردمی روبرو بود: کردها در شمال و شیعیان در جنوب.

با وجود این، بسیاری از آمریکایی ها نمی دانند که قربانیان تحریم عراق، به مراتب بیشتر از دو انفجار اتمی ژاپن بوده است. بنابراین تحریم ها علیه عراق، نه تنها غیراخلاقی که غیرانسانی نیز بود. آیا عراق سلاح شیمیایی در اختیار داشت؟ آیا رژیم صدام حسین برنامه ای برای تولید موشک های دوربرد داشت؟

آیا عراق دارای سلاح هسته ای و بیولوژیک بود؟ گزارش های بازرسان خلع سلاح سازمان ملل و نیز کارشناسان سازمان بین المللی انرژی اتمی، بارها و بارها پاسخ منفی به این پرسش ها داد. قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت اذعان می دارد که خلع سلاح عراق باید مقدمه ی عاری اعلام شدن کل منطقه ی خاورمیانه از سلاح های امحای جمعی باشد.

به عبارت دیگر، به دنبال خلع سلاح عراق، اکنون نوبت به خلع سلاح اسرائیل رسیده است. اما با کمال تاسف شواهد موجود حاکی از عدم تمایل آمریکا و دیگر قدرت های جهانی به خلع سلاح اسرائیل است. آنها بر روی جنایت های رژیم اسرائیل در سرزمین های اشغالی چشم فرو بسته اند.

اما دیگر نمی توان معیارهای دوگانه را در جهان امروز اعمال کرد. تا کنون بالغ بر پنجاه کشور جهان از تشکیل دادگاه بین المللی جنایت های جنگی حمایت کرده اند. در حالی که آمریکا به شدت با آن مخالفت می کند. مخالفت آمریکا به این خاطر است که اگر قرا رباشد دادگاه مزبور صدام حسین را تحت تعقیب قراردهد، باید بلافاصله آریل شارون را نیز به محاکمه بکشد.

وقتی به نیویورک برگشتم، نظر دنیس هالیدی را به عنوان دستیار ارشد دبیرکل سازمان ملل درباره ی عبارت "جهان واقعی و جهان آرمانی" پرسیدم. وی گفت: "این است جهان واقعی که می بینید! اینجا - سازمان ملل- مرکز اعمال دموکراسی جهانی است: هر کشور یک رای. اما با کمال تاسف می بینیم که اداره ی شورای امنیت در دست کشورهای دارای حق وتو، به ویژه آمریکاست و این به منزله ی نفی دموکراسی است. اگر مساله ی تحریم عراق به مجمع عمومی سازمان ملل احاله می شد، بدون تردید با اکثریت قاطع آرا رد می شد. باید این ساختار را تغییر داد. دیگر نباید سازمان ملل متحد در خدمت نسل کشی قرارگیرد."

John Pilger, The new Ruler of the world, Verso Publishers, London, 2002

#### پانویس:

1) «عراق؛ کابوس بی پایان انسانی» عنوان مقاله ای از «سزار چیلالا» پزشک و نویسنده آمریکایی می باشد که با ارائه آمار و ارقام نگران کننده ای که گزارش های سازمان های مختلف آمده است وضعیت اسفناک بهداشت و سلامت در عراق اشغالی را تصویر می کند. بخش هایی از این مقاله برای آشنایی با نظرات نویسنده در زیر می آید:

"بنا به گفته جرمی هوبس مدیر مؤسسه بین المللی اوکسفام، «خشونت های فاجعه بار در عراق، ابعاد بحران انسانی فاجعه آمیز موجود را مخفی نموده است. سوء تغذیه در میان کودکان رشد افسارگریخته ای داشته و خدمات شهری، به دلیل سالها اشغالگری و جنگ و تحریم، پاسخ گوی نیازهای شهروندان عراقی نیست. میلیون ها عراقی مجبور گردیده اند که به سایر شهرها و یا خارج از این کشور پناه ببرند. البته بقیه افراد نیز در فقری اسفناک روزگار می گذرانند.

چنین تخمین زده می شود که 28% بچه های این کشور دچار سوء تغذیه اند که این عدد در سال 2003 میلادی و دوره پیش از اشغال 19% بوده است. در سال 2006 میلادی، بیش از 11% نوزادان با مشکل کم وزنی روبه رو بوده اند که رقم مشابه سال 2003 میلادی، تنها 4% بوده است. البته این مشکل به بروز مسایلی دیگر در میان نوزادان عراقی نظیر ابتلا به مالاریا، حصبه و همچنین مشکلات تنفسی و گوارشی نیز می انجامد. اما این

مصائب در همین جا ختم نمی‌گردد، چرا که 92% کودکان عراقی در مدارس با مشکلات یادگیری روبرو می‌باشند که شرایط هراس‌آور کنونی، عمده‌ترین دلیل بروز آن می‌باشد.

سال گذشته، انجمن روان‌شناسان عراق (API)، گزارشی را منتشر نمود که در آن اعلام شده بود، اشغال نظامی عراق توسط ارتش ایالات متحده، به رشد روانی کودکان عراقی آسیب‌های فراوان و جدی ای وارد نموده است. سخنگوی این انجمن، مروان عبدالله چنین گفته است: «امروزه تنها چیزی که کودکان عراقی در اذهانشان دارند، اسلحه، گلوله، مرگ و هراس از اشغال ارتش ایالات متحده است.»

چه صحبتی می‌توان با مسؤولان اصلی نابودی اذهان و آرزوهای کودکان عراقی داشت؟ بر اساس اعلام مقامات سازمان ملل متحد، همه روزه 2,000 عراقی از خانه‌هایشان آواره می‌شوند و هم‌اینک 2 میلیون عراقی، در کشورشان به عنوان بی‌خانمان شناخته می‌شوند. به علاوه، 2/2 میلیون شهروند عراقی نیز به کشورهای همسایه به ویژه سوریه و اردن پناهنده شده‌اند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) تا کنون توانسته تنها کمک‌های اندکی را برای این آوارگان فراهم نماید. با وخیم‌تر شدن این اوضاع، شواهد کنونی حاکی از آن است که دولت عراق حتی از تأمین حداقل نیازهای مردم این کشور نیز ناتوان می‌باشد. در این میان، برخوردهای خشن دولت ترکیه با آوارگان عراقی خواهان پناهندگی و بازگرداندن آنها به داخل کشورشان، به وخامت اوضاع آوارگان افزوده است.

در این کشور، فقدان موادغذایی، تنها سلامتی کودکان را تحت تأثیر قرار نداده است. تخمین زده می‌شود که 4 میلیون عراقی (15% جمعیت این کشور) نمی‌توانند به صورت منظم، موادغذایی مورد نیازشان را تأمین نمایند و به کمک‌های غذایی نیازمندند. البته هم‌اینک تنها 60% آنان قادر به دریافت این کمک‌های انسان‌دوستانه هستند، هر چند این نرخ در سال 2004 میلادی 96% بوده است.

باید بدانید که 70% عراقی‌ها به آب سالم دسترسی ندارند. 80% آنها نیز از دسترسی به خدمات بهداشتی مناسب محرومند. یکی از پزشکان مسئول عراقی هم اخیراً نسبت به خطرات وجود انبوهی از فاضلاب و زباله در این کشور به ویژه در حومه بغداد هشدار داده است. وی می‌گوید: «بسیاری از مردم عراق، از آب حاوی فاضلاب می‌نوشند.»

بیمارستان‌های این کشور قادر به پاسخگویی به نیازهای شهروندان نیستند. 90% بیمارستان‌ها فاقد امکانات اولیه درمانی نظیر تجهیزات جراحی و پزشکی هستند. بسیاری از سازمان‌های پزشکی بین‌المللی نیز خاک این کشور را ترک نموده‌اند؛ چرا که پرسنل آنها دیگر تمایلی به حضور در عراق ندارند.

آمار رسمی حاکی از آن است که از 34,000 پزشک عراقی ساکن در این کشور در سال 2003 میلادی 12,000 نفر از آنان مهاجرت نموده و 2,000 تن از آنان نیز به قتل رسیده‌اند. لذا عملاً اکثر مراکز درمانی فاقد توانایی و امکانات مادی و انسانی لازم هستند ...»

(2) برای دانلود نسخه پی دی اف کتاب «**اربابان جدید جهان**» روی لینک زیر راست کلیک کرده و گزینه save link as را انتخاب نمایید:

[http://library.youthdialog.net/The\\_New\\_Rulers\\_of\\_the\\_World.pdf](http://library.youthdialog.net/The_New_Rulers_of_the_World.pdf)

(3) جهت دانلود فیلم مستند «**کشتن کودکان عراقی برای پرداخت هزینه**» روی لینک زیر راست کلیک کرده و گزینه save link as را انتخاب نمایید:

[http://video.youthdialog.net/Paying\\_the\\_Price\\_Killing\\_the\\_Children\\_of\\_Iraq.mp4](http://video.youthdialog.net/Paying_the_Price_Killing_the_Children_of_Iraq.mp4)

(4) برای دیدن ویدئوی بخشی از مصاحبه **مادلین آلبرایت** که شامل اظهار نظرش در این باره می‌باشد روی لینک زیر کلیک کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=x4PgpQfxgo&feature=related>